

فرهنگ واژه‌سازی در زبان فارسی

جلد پنجم

دکتر کامیاب خلیلی



قصیده سرا

فرهنگ

۱۰



قصیده سرا

فرهنگ واژه سازی در زبان فارسی

(جلد پنجم)

دکتر کامیاب خلیلی

طرح جلد: شبنم راجی کرمانی

نظارت فنی: نفی سیف

آماده سازی و نظارت بر چاپ: انتشارات قصیده سرا

چاپ اول: ۱۳۸۵

چاپ: سحاب

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است.

۳۸۰۰ تومان

تلفن: ۷۷۵۳۲۴۴۵-۷۷۵۳۰۳۵۳

صندوق پستی ۶۳۵۴-۱۵۸۷۵

پست الکترونیک: ghasidehsara@hotmail.com

فروش اینترنتی: iketab.com

با همکاری مؤسسه خیریه دکتر مصطفی تراقی

خلیلی، کامیاب، ۱۳۱۴ -

فرهنگ واژه سازی در زبان فارسی / تألیف کامیاب خلیلی. -

تهران: قصیده سرا، ۱۳۸۵.

ISBN 978-964-8618-60-0: (دوره)

ج ۸

ISBN 978-964-8618-61-7 (ج ۱) ۳۰۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

ج. ۵ (چاپ اول: ۱۳۸۵):

ISBN 978-964-8618-65-5: ۳۸۰۰۰ ریال

کتابنامه.

۱. فارسی - واژه سازی. ۲. فارسی - واژه ها و اصطلاحها، الف. عنوان.

۴۶۵/۹۲

PIR۲۷۴۹/خ ۸۴۴

م ۸۵-۲۶۳

کتابخانه ملی ایران

فهرست

وندها

۱۱	پیشگفتار
۱۴	تعریف وندها در منابع فارسی
۱۶	وندهای فارسی در فرهنگ‌ها و دستورنامه‌ها
۱۶	۱. وندهای مرده
۱۷	الف) دستور زبان فارسی خاتلری
۱۸	ب) فرهنگ معین
۲۴	ج) دستورنامه، دکتر مشکور
۳۰	د) کتاب پیشوندها و پسوندها: صحصامی
۳۸	ه) دستور پنج استاد
۴۱	و) سبک‌شناسی. بهار
۴۲	ز) دستور جامع فارسی، همایونفرخ
۵۸	ک) اشتقاق پسوندی، خسروکشانی
۵۹	ل) شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی - علی‌اشرف صادقی
۶۰	م) دستور زبان فارسی: محمدجواد شریعت
۷۰	مثال‌ها در فرهنگ‌ها و دستورنامه‌ها
۲۴۱	اشتقاق واژه‌ها در فارسی جدید
۲۶۹	وندها در فارسی میانه
۲۶۹	پسوندها
۲۷۷	پیشوندها

پیشگفتار

وندها تعریف دقیق و فراگیر ندارند. تعاریفی که تاکنون ارائه شده است، بنابر دریافت ویژه مؤلفان دستور زبان و دانشمندان زبان‌شناس است.^۱ خود این دریافت‌ها و تعریف‌ها در تعیین شمار «وندها» دخالت دارد. و برحسب هر تعریف تعداد آنها از ده‌ها به صدها تغییر می‌یابد. مقایسه دو تعریف زیر، بیان روشنی از این مسأله است:

تعریف ۱. پسوندها و پیشوندها اجزائی هستند که معنی مستقل نداشته و تنها برای ساختن کلمات تازه به کار می‌روند.^۲

به عبارت دیگر، کلمات را نمی‌توان در شمار وندها محسوب داشت، برای نمونه:

کلمه پُر: طبق تعریف فوق پیشوند نیست. ولی فرهنگ معین می‌نویسد: پُر: پیشوند در کلمات پرطمع، پرحرارت، پرکار.

کلمه پیش: به نظر دکتر مشکور در دستورنامه در کلمات پیش افتادن ... پیشگام... پیشکار. پیشرفت پیشوند است ولی مطابق تعریف فوق پیشوند نیست.

-
۱. زبان‌شناسان و دستورنویسان سایر زبانها نیز با مشکل تعریف وندها مواجه‌اند.
 ۲. دکتر خانلری مرقوم می‌دارند: «اشتقاق پیوستن یک کلمه است با جزئی که معنی مستقل ندارد و تنها برای ساختن کلمات تازه بر طبق قواعد زبان به کار می‌رود. از این اجزاء آنچه در اشتقاق اسم و صفت به کار می‌رود در اصطلاح پسوند و پیشوند خوانده می‌شود».

کلمه هم: (همایونفرخ؛ پیشوند در کلمات همراه، همکار، هم‌نشین، هم‌رنگ...) اما بر طبق تعریف فوق پیشوند نیست.

بالاخره کلمه فرود: در لغت‌نامه می‌نویسند؛ کلمه است و بطور مستقل نیز به‌کار می‌رود. دکتر خانلری در دستور زبان فارسی و تاریخ زبان فارسی آن را پیشوند فعل می‌دانند ...

کلمات: گاه (مکان)، گاه (زمان) و کار را نیز بعضی مؤلفان جزو پسوندها برشمرده‌اند و بر طبق تعریف فوق پسوند نیست ...

تعریف ۲. «پسوند: قسمت مؤخر کلمه که جزو ریشه نباشد. پیشوند: کلمه‌ای که در آغاز کلمه دیگر درآید و کمابیش تصرفی در معنی آن کنده (فرهنگ معین).

روشن است: این دو تعریف (۱ و ۲) هر یک در یک نهایت قرار می‌گیرد اما اولی تعداد وندها را بسیار محدود می‌نماید و دومی شمار آنها را به تعداد کلماتی که در ترکیب با کلمات دیگر کلمات تازه می‌سازد افزایش می‌دهد.

سایر تعریف‌ها از دیگر مؤلفان بینابین این دو تعریف قرار دارند و بدین ترتیب با وضع قواعد قراردادی و تمایل به هر یک از این دو نهایت، شمار وندها، کاهش یا افزایش می‌یابد. اما باید دانست، درباره پسوندها و پیشوندها، تنها آن‌گونه تعریف‌ها و قواعدی مورد استفاده قرار گرفته است و عملاً به کار بسته می‌شود که مانع و مغل ایجاد کلمات تازه نباشد در غیر این صورت پذیرفته پژوهشگران و واژه‌سازان فنی و علمی نخواهد شد و نیاز به اصطلاحات فارسی در علوم و فنون ایشان را وامیدارد تا قیود زنگارزده بازدارنده را فرو ریزند و همت به گسترش زبان فارسی بگذارند.

پیرو پیشرفت سریع فنون و علوم، نیاز مبرم به اصطلاحات جدید افزایش یافت. در زبان‌های فرانسه و سپس انگلیسی قرن‌ها است که استفاده و اقتباس از پیشوندها و پسوندها و عناصر یونانی و لاتین و پیوند و ترکیب آنها با یکدیگر و ایجاد کلمات تازه علمی رواج دارد.

مؤلفان دانشمند واژه‌نامه زیست‌شناسی قضاوتی درست دارند:

«... مسئله واژه‌سازی در برخی از زبان‌های اروپایی با امکاناتی که در اختیار داشته‌اند و روشی که طی سالیان دراز دانشمندان مغرب زمین دنبال کرده‌اند بسیار آسان است، زیرا با استفاده از وندهای فراوان کلمات لاتین و یونانی و غیره کار واژه‌سازی را بسادگی انجام می‌دهند. در فارسی رایج یعنی فارسی نو محدودیت‌های فراوانی وجود دارد ... و با امکاناتی چنین محدود چگونه می‌توان به کار عظیم برابرسازی برای صدها هزار واژه با مفاهیم دقیق اقدام کرد؟»

اما پیشنهادی که این مؤلفان دارند برای ساختن آن «صدها هزار واژه» کافی نیست و مرقوم می‌دارند: «... ولی حقیقت امر این است که ما گنجینه‌های گرانمایی از واژه‌های فارسی باستان، فارسی میانه و اوستایی داریم که هنوز کمابیش ارتباطشان با فارسی نو حفظ شده است پس با استفاده از این کلمات بایستی برای سرشار کردن زبان سود جست...»^۱

البته آن «صدها هزار» که مؤلفان مذکور می‌نویسند؛ قید است نه عدد و به معنی بسیار است.

یکی از ایرانیان درباره هموطنان خویش اظهار می‌داشت که: ایرانیان در کلام اغراق می‌کنند» برای نمونه می‌گویند: «صدبار آمدم، نبودی؟! در صورتی که دو یا سه بار بیشتر نیامده بوده است.» اما اظهارکننده غافل از آنستکه «صدبار» قید است و نه عدد، و به معنی بسیار است در زبان‌های بیگانه نیز وجود دارد. مثلاً فرانسویان می‌گویند سی و شش بار گفتم ... و آلمانی‌ها از هزار گفتگو می‌کنند...

ولی باید دانست واژه‌های قابل استفاده گنجینه گرانمای باستانی محدود و بیشتر این واژه‌ها نامأنوس و مهجور است حتی خود این دانشمندان پژوهشگر نیز از این گنجینه استفاده نکرده‌اند مع‌هذا با کمک پسوند‌ها و پیشوندها و عناصر فارسی جدید کلمات تازه‌ای آفریده‌اند که در زیبایی و روانی و ترکیب

۱. پیشگفتار کتاب، واژه‌نامه زیست‌شناسی.

تحسین‌آمیز است. بنابراین فارسی جدید دارای امکانات ممتاز و فراوانی است که ناشی از طبیعت انعطاف‌پذیر این زبان در ترکیب و پیوند و اشتقاق می‌باشد. نخستین گام در جهت گسترش بیشتر زبان فارسی آنستکه حکم سماعی بودن کلمات را در بسیاری از حالات نپذیریم فقط قبول کنیم که بخشی از ریشه‌های مضارع مصادر فارسی و ارتباط آنها با ریشه‌های ماضی مصادر ماضی (یا مصادر حقیقی) سماعی است و بقیه مشتقات مصادر بطور قیاسی و طبق قاعده ساخته می‌شود.

دوم آنکه برای احتراز از اختلاف نظرها، الفاظی را که در دستورنامه‌ها و فرهنگ‌ها بمثابة پیشوندها و پسوندها معرفی شده‌اند تحت همین نام‌ها به کار بندیم و باقی را که استعمال آنها رواج یافته و یا در برابر پسوندها و پیشوندهای یونانی و لاتین ... قرار می‌گیرند تحت نام «همونده» به کار ببریم.^۱

تعریف وندها در منابع فارسی

۱. «پیشاوند عبارت است از یک یا چند حرف که در جلو کلمه درآید تا معنی آن را تغییر دهد و کلمه دیگری بوجود آورد ... و پساوند عبارت از یک، یا چند حرف که آخر بعضی کلمه‌ها زیاد می‌شود تا در معنای آن کلمه تغییر دهد...»^۲.
۲. پیشاوندها و پساوندها ... عبارت از ادوات مفرد یا مرکبی هستند که به اول یا به آخر کلمات افزوده می‌شوند و در معنی آنها تصرف می‌کنند ...»^۳.
۳. «در زبان فارسی مانند سایر زبان‌های آریایی، حروفی موجود است که در پیش یا در پی کلمات در می‌آید برای افاده معنی‌های مخصوصی که بعضی آنها را به تقلید از عربی ادوات می‌خوانند اما حق آنست که اینها سوای ادوات عربی می‌باشند و آنچه را در عربی ادوات می‌خوانند غیر از اینهاست ...»

۱. نگارنده، اساس نظریه تفکیک «وندها» را به دو گروه وندها و هموندها از محقق دانشمند خروکشان اقتباس می‌نماید. ایشان در کتاب «اشتقاق پسوندی در زبان فارسی امروز این نوع الفاظ را به دو گروه: پسوندها و پسندواره‌ها تقسیم می‌نمایند (رجوع کنید به همین کتاب).

۲. دستور زبان طالقانی.

۳. دستورنامه دکتر مشکور.